

د اکتر عبدالرحمن زمانی

پوهاند حسن کاکر نابغه و کاشف بزرگ یا بزرگترین تحریف نگار و جعلکار تاریخ معاصر افغانستان؟ (قسمت اول)

هدف این مقاله تامل کوتاهیست پیرامون نوشه های اخیر آقای پوهاند حسن کاکر تحت عنوان «اندرباب نوشته های شاغلو زمانی و سیستانی» که درین اواخر در یکی از ویب سایت های افغانی به نشر رسیده است.

آقای پوهاند حسن کاکر بجواب نقد این قلم از کتابش «دیا چا امان الله و اکمنی ته یوه نوی کتنه» [نگاه جدیدی به حاکمیت شاه امان الله]، به عوض قبول کردن اشتباہ و یا دفاع مستند، علمی و استدلال منطقی، با آوردن به اصطلاح عذرهای بدتر از گناه و روایت ها و کشفیات عجیب، چهره اصلی اش را بر ملا ساخته و آنچه در دیگر داشته روی کاسه ریخته است.

برای دانستن بهتر موضوع و آگاهی بیشتر خوانندگان محترمی که تا حال فرصت مطالعه متن مکمل نقد کتاب پوهاند کاکر و تبصره های دانشمندان افغان را نیافته اند، لینک یا ادرس اینترنتی آنرا یکبار دیگر درینجاتقدیم میکنم تا:

«گر محک تجربه آید به میان سیه روی شود هر که در او غش باشد»

لطفا برای باز نمودن روی تصویر، عنوان کتاب یا اینجا کلیک کنید.



زnde یاد میرغلام محمد غبار مؤرخ توanax و نویسنده کتاب «افغانستان در مسیر تاریخ» در قسمتی از پیشگفتار جلد اول اثر بی

بدیلش می نویسد که «مردم افغانستان یکی از مبارزین جدی ضد استعمار است که از قرن نوزدهم مورد تطاول سیاسی و چپاول فرهنگی استعمار قرار گرفته است . ما در آسیا با دو دسته مؤرخین و نویسندهان مغرب زمین مقابله می کنیم که آن یکی دانشمندان حقیقی و این دیگری وابسته به اغراض استعماریست. دسته اول کسانی اند که در تحقیق احوال ملل همت گما شته، در علم و ادب، لسان و لغت، تاریخ و فرهنگ شرق فرو رفتند و مدنیت های مدفون در زیر خاک را مجدداً احیا کردند. این دانشمندان بشری که حاصل صحیح تمدن و فرهنگ تواریخ بین الذهرين، مصر، افغانستان و ایران و غیره مدیون خدمات ایشان است. دسته دوم کسانی اند که یا اصلاً در تاریخ مشرق زمین وارد نبوده و مقلد نویسندهان استعماری غرب محسوب اند و یا آنکه علم و دانش خود را وقف خدمت در راه سیاست و استعمار غرب در شرق نموده اند، سیاست و استعماریکه عصیت مسیحیت و حمیت فاشیستی قاره اروپا را بر مطامع اقتصادی و سیاسی خود افزوده بود . ایندست که تاریخ ملل آسیا بازی چه استعماری گردید و پرده جعل و تحریف و کذب و افترا بر چهره حقایق و واقعیات کشیده شد».

بامطالعه نوشته آقای حسن کاکر میتوان قضاوت کرد که چگونه این مؤرخی که از برکت علم تاریخ به شهرت کاذب رسیده است، با طفره رفتان از موضوعات اصلی و شانه خالی کردن از مسؤولیت، سلسه دروغ های را به هم بافت و کوشیده است با نشخوار کردن دوباره تفاله های متعفن تبلیغات انگلیس وحمله بر نقد کننده و خانواده اش به زعم خودش از اهمیت و اعتبارنوشته های این قلم بکاهد.

درین جا چند مورد مشخصی از تناقض گوئی ها و دروغ های شاخدار پوهاند حسن کاکر را قابل یادآوری میدانم تا دیده شود که او یک نابغه و کاشف بزرگ یا بزرگترین تحریف نگار و جعلکار تاریخ معاصر افغانستان است .

اول : رساله استخارات انگلیس تحت عنوان «سقوط امان الله»

یکی از موضوعات اساسی نقد کتاب آقای کاکر، رساله است از استخارات انگلیس تحت عنوان The Fall of Amanullah یا «سقوط امان الله» . این رساله که شامل تبلیغات زهرآگین و تخریبی استعمار انگلیس علیه غازی امان الله خان میباشد، تو سط شیخ محبوب علی سکرتر شرقی سفارت انگلیس و مامورین استخارات انگلیس در هند بریتانی تهیه شده است . پوهاند کاکر که ازین رساله بحیث مهمترین منبع و سند دست اول استفاده نموده است، درین رابطه به دو جعل کاری بزرگ و عمدی اش پافشاری دارد . نخست اینکه میگوید این رساله از شیخ محبوب علی سکرتر امور شرقی سفارت انگلیس در کابل نبوده بلکه توسط یکنفر افغان نوشته شده است . دوم اینکه میگویدنوسنده افغان آن علی احمدخان شالیزی مومند (برادر محترم عبدالستار خان شالیزی)، کسیست که در تمام دوره امانی چنان معلومات دقیقی میباشد، که در هیچ جائی دیگری بنشر نرسیده است .

الف . به تناقض گوئی و دروغ آقای کاکر توجه کنید: جوابیه یا توهین نامه آقای کاکر مملو از تناقض گوئی میباشد . اولین دروغ آقای کاکر را مشاهده کنید:

طوریکه در سند ذیل می بینید، کاکر در صفحه ۱۵۴ کتاب خود راجع به رساله «سقوط امان الله» مینویسد که «درین نوشته راجع به دوره زمامداری امان الله چنان معلومات دقیقی است که در آثار دیگر نمیتوان یافت».

۲ منشی علی احمد. د امان الله نسکور پدن، د
برتایی د حکومت خپرون، لندن، ۱۹۲۹، ۳، لیکونکی د
غزنه مونند. او د امان الله دربار منشی او د معلوماتو
خاوند و دده د امان الله د دوری په فارسي کي دغه لپکنه د
سکات په نامه یوه انگربز په انگربزی اړولې او اوسله لندن
کي په برтанوي کتابتون کي خوندي ده. په دعې لیکنی کي د
امان الله د واکنی په اړه دغسي، دقیق معلومات شته. چې به
نورو اژونس په موئدل کېږي، زه دلته له پساغلي داکتر
عبدالعلی ارغنداوي نه منته کوم، چې د دغه نادر اثر یوه نسخه
بی له لندن نه راستولی ده.

آقسای
در صفحه
قسـمت
نوشته

ولـی
کـاـکـر
هـشـتم
اـوـلـ

اخیرش به قول معروف «دروغگوی حافظه ندارد» درباره مینویسد که «**هم** ایذست که موضوعی چنانی در نوشتہ منشی علی احمد نیست که در آثار دیگر از آن یادآوری نشده باشد».

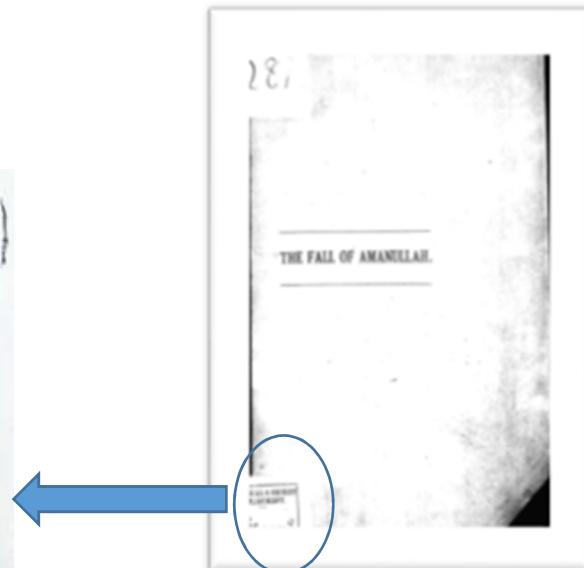
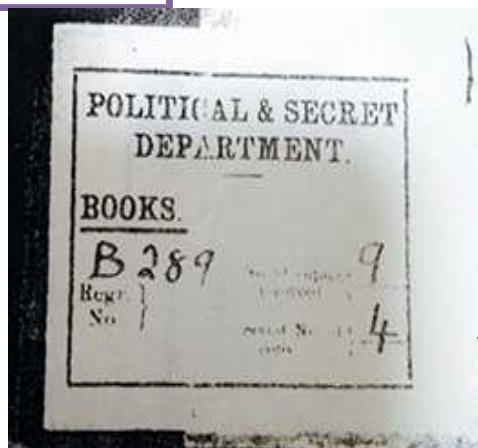
مهم این است که موضوعی

چنانی در نوشتہ منشی علی احمد نیست که در آثار دیگر از آن یادآوری نشده باشد. این نوشتہ چنان منسجم و دقیق است که علمیت و مطومات وسیع نویسنده را به تعیین می گذارد.

ب . به استدلال کاکر در رابطه با نویسنده اصلی رساله «سقوط امان الله» توجه کنید: من در صفحات ۷ - ۱۰ نقد خود تحت عنوان «این مذبیح داکتر کاکر یکی از راپور های دستگاه استخباراتی انگلیس است» در رابطه نویسنده اصلی رساله مذکور معلومات مفصل داده و نوشتہ بودم که «این اثری که داکتر صاحب کاکر بحیث مهمترین، معتبرترین و نادرترین مأخذ کتابش به آن استناد میکنند، و آنرا به علی احمد خان مونند از غزنی و منشی دربار (?) غازی امان الله خان نسبت مید هد، رساله است از استخبارات انگلیس تحت عنوان The Fall of Amanullah یا سقوط امان الله که در سال ۱۹۳۰ بنشر رسیده است . این رساله در فهرست دوسيه های اسناد محترمانه استخبارات انگلیس که حال از محرومیت برآمده و در اختیار محققین قرار دارند، بصورت ذیل معرفی شده :

The fall of Amanullah.
 Translated from the Persian of
 Shaikh Ali Mahboub by Maj
 Robert Noel Girling Scott
 Foreign & Political Department,
 Mar 1930
Physical description: [2], 61p.
 map, 33cm.
File number: L/P&S/20/B289
Notes: Secret
 Delhi: Government of India
 Press, 1930

سقوط امان الله
 ترجمه شده از فارسی شیخ علی محبوب
 توسط تورن رابرتس نوئل گیرلینگ سکات
 شعبه امور خارجی و سیاسی . مارچ
 ۱۹۳۰
 مشخصات فزیکی : ۶۱ صفحه ، (۲) و
 نقشه ۳۳ سانتی متری
 دوسيه شماره L/P&S/20/B289
 يادداشت : سری (محرمانه)
 دهلي، چاپخانه حکومت هند، ۱۹۳۰.».



اگر ادعای آقای کاکر که «برای مدت هفت سال از آرشیف هند بریتانی استفاده نموده و از انشاق گرد و خاک دوسیه هایش تا هنوز از تکلیف ریه ها (شش ها) رنج میبرد»^۱، درست باشد، باید بداند که اسناد و آثار

Arrangement

This collection is organized into the following series and subseries.

- British Intelligence on Afghanistan and its Frontiers, c. 1888-1946
 - BIA-1 Afghanistan: Gazetteers and Handbooks, 1888-1935
 - BIA-2 Afghanistan: Internal and External Affairs, 1907-1941
 - BIA-3 Afghanistan: Who's Who, 1914-1940
 - BIA-4 Afghanistan: Military Reports, 1906-1940
 - BIA-5 Afghanistan: Route Books, 1907-1941
 - BIA-6 Frontiers: general, and northern section, 1910-1946
 - BIA-7 Frontiers: central section, 1908-1941
 - BIA-8 Frontiers: Waziristan, 1907-1940
 - BIA-9 Frontiers: Baluchistan, 1910-1946

آرشیف هند بریتانی چگونه تصنیف، طبقه بندی، و تنظیم شده اند. تمام مواد آرشیف از خود ادرس، نشانی و معرفی مختصر دارند. مثلاً طوری که از کاپی ذیل قسمتی از یک کتاب چاپی مایکروفلم ها هویداست، مجموعه آثار استخباراتی بین سال های ۱۸۸۸ تا ۱۹۴۶ میلادی مربوط به افغانستان و سرحداتش درین مایکروفلم ها تحت ردیف ها و رده های مختلف تصنیف بندی شده اند:

اسناد این مجموعه بشکل مایکروفلم در ۱۹۳ دوسیه و ۳۷۲۰۰ صفحه بوده در ۹ بخش تحت عنوان ذیل تنظیم شده اند:

1. دکشنری های جغرافیوی و کتاب های رهنمای افغانستان
2. امور داخلی و خارجی، ۱۹۰۷ - ۱۹۴۱ افغانستان
3. کی کیست، ۱۹۱۴ - ۱۹۴۰
4. راپورهای نظامی ۱۹۰۶ - ۱۹۴۰
5. کتب راجع به مسیر راه ها، ۱۹۰۷ - ۱۹۴۱
6. سرحدات: عمومی و بخش های شمالی، ۱۹۱۰ - ۱۹۴۶
7. سرحدات: بخش مرکزی، ۱۹۰۸ - ۱۹۴۱
8. سرحدات: بخش وزیرستان، ۱۹۰۷ - ۱۹۴۰
9. سرحدات: بخش بلوچستان، ۱۹۱۰ - ۱۹۴۶

^۱ . آقای کاکر مدت هفت سال در انگلستان مشغول آموزش و تنها دست آوردهش ماستری در تاریخ بود. او درین مدت هفت سال نتوانست به گرفتن دکتورن دکتور افتخاری اش، آنهم چند سال بعد به فرمانیش امریکائی ها داستان دیگریست که باید خودش تشریح کند. این درست است که آقای کاکر در انگلستان از تکلیف ریه ها رنج میبرد، و دکتوران آنرا توبرکلوز (سل) تشخیص نموده و تحت تداوی قرار دادند. اما ادعای سپری نمودن هفت سال در آرشیف انگلستان و آنهم برای مطالعه و تحقیق دوره امیر عبدالرحمن خان، و مبتلا شدن به مرض توبرکلوز ریوی از طریق دوسیه های آرشیف هند بریتانی را چه میتوان نامید؟ نبوغ و کشف بزرگ جهان طبابت؟

به همین ترتیب طوری که مشاهده می شود، اسناد و آثار مذکور بشمول رساله یاد شده با اسم نویسنده و مترجم آن برای سهولت محققین و دانش

Review of events in Afghanistan 1st July 1931 to 30th June 1932. Compiled by the General Staff.

Physical description: [2], 22p. 2 maps, 25cm.

File number: L/P&S/12/1637D

Notes:

Confidential

Simla: Government of India Press, 1932.

The fall of Amanullah. Translated from the Persian of Shaikh Ali Mahboub by Maj Robert Noel Girling Scott Foreign & Political Department, Mar 1930

Physical description: [2], 61p. map, 33cm.

File number: L/P&S/20/B289

Notes:

Secret

Delhi: Government of India Press, 1930.

Home > Discovery >
Browse > The fall of Amanullah [Delhi: Govt of India Foreign and Political Dept, 1930]

The fall of Amanullah [Delhi: Govt of India Foreign and Political Dept, 1930]

This record is held by British Library: Asian and African Studies (previously Oriental and India Office Library)

[See contact details](#)

Title: The fall of Amanullah [Delhi: Govt of India Foreign and Political Dept, 1930]

Reference: IOR/L/P/20/B289

Date: 1930

Held by: British Library: Asian and African Studies (previously Oriental and India Office Library), not available at The National Archives

Language: English

Extent: 1, 61pp 1 map

Note: Secret [7 copies]

Context of this record

59 - British Library: Asian and African Studies (previously Oriental and India Office Library)

↳ IOR - India Office Records

↳ IOR/L/P/20 - Political and Secret Department Records

↳ IOR/L/P/20/B - Political and Secret Department Library

↳ IOR/L/P/20/B - Political and Secret Department Library: 'B' Books

↳ IOR/L/P/20/B289 - The fall of Amanullah [Delhi: Govt of India Foreign and Political Dept, 1930]

آموزان تنصیف بندی و معرفی شده اند.

اما پوهاند کاکر با تلاشی که در مدت یکسال کامل از نشر اولین مقاله این قلم بتاریخ ۲۳ فبروری سال ۲۰۱۵ تا نشر آغاز جوابیه اش بتاریخ ۴ فبروری ۲۰۱۶ کرده است، حتی با استفاده از تهمام روابط انگلیسی و شاگردان و دوستان مقیم لندن که به اسانی میتوانند تمام شواهد و اسناد موجود در آرشیف هند بریتانی در موزیم لندن را مرور کنند، نتوانست این واقعیت را که نویسنده رساله «سقوط امان الله»^۲ شیخ محبوب علی است، غلط ثابت کند. او باز هم لجوچانه و گستاخانه پافشاری دارد که نخیر «نگارنده «سقوط امان الله» به اساس دلایل و شواهد»، منشی علی احمد (مومند شالیزی) است نه محبوب علی! ».

درین جا ببینیم این دلایل و شواهد آقای کاکر کدامند. او درین رابطه سه دلیل و دو شاهدی آورد:

دلیل اول کاکر اینست که این راپور حاوی معلومات رسیدن شاه امان الله خان از قندهار به غزنی می باشد، و چون محبوب علی در آن وقت در افغانستان نبود، یعنی سفارت هند بریتانی در کابل بسته و اعضای آن روانه هند شده بودند، برای او امکان نداشت این نگارش را انجام دهد^۲.

دلیل دوم او اینست که «همین شیخ محبوب علی نیز که به نام سکرتر در سفارت هند بریتانی در کابل ایفا وظیفه می نمود باخانواده شاه امان الله نزدیکی داشت. این احساس وی زمانی نمایان گردید که معین السلطنه، جانشین شاه امان الله، بعد از سه روز پادشاهی با یک طیاره انگلیسی از ارگ عازم پشاور بود. عزیز هندی در کتابی به نام «زوال غازی امان الله» مشاهداتش را از آنروز چنین ثبت نموده است: وقتی معین السلطنه از دروازه جلوی ارگ قدم بیرون نهاد، از فرط تأثر بیهوش گردید... و برگشت... دروازه ارگ را در آغوش کشید و بسیار گریست. زمانی که به میدان هوائی رسید، چشمانش هنوز از اشکپر بود. در اینجا اعضای سفارت به حالت خیلی غمگین ایستاده بودند، بدون شک که صحنه ای بود زیاد درد آلود... حالت شیخ محمد علی اکهی سکرتر هندوستانی سفارت بریتانی چنان بود که از گریستن زیاد، بغض گلویش را گرفت».

دلیل سوم او اینست که چون منشی علی احمد خان یک شخص عادی نه، بلکه یک شخص بافهم و مهم و منشی شاه امان الله بود، و یک اثر قدمی بنام «تاریخ غزنی» هم دارد که در عصر صدراعظم محمد هاشم خان از چاپ ماند، واضح است که نگارنده این نوشته میباشد. کاکر علاوه میکند که «در وقتی که جنگ داخلی (سال سقاوی) که شاه امان الله خان مجبور به ترک وطن شد، منشی صاحب به همکابی شاه نیز از وطن یکجا خارج و در کوتاه رهسپار شدند. قراری که می گویند منشی صاحب در موقعی که شاه امان الله خان با اعضا فامیل از کویته به ایتالیه عزیمت نمودند، به تحت نظرات انگلیس ها در قونسلگری شان [?] باقیماند. در همین وقت کدام اثری به نام سقوط امان الله... تحریر و تایپ شده در قونسلگری و بالاخره این اثر تایپ شده به آرشیف لندن سپرده شد».

آقای کاکر بحیث استاد تاریخ و مؤرخ نامور (!) کشور میخواهد با این دلایلش به ما بیاموزاند و بقولاند که گویابرای نوشن معلومات راجع

² . خوانندگان محترم میتوانند در باره تاریخ چه فعالیت های جاسوسی انگلیس در افغانستان و شبه قاره هند، انکشاف اداره استخباراتی انگلیس، شبکه های از فعالیت های تحریبی و جاسوسی بریتانی در افغانستان و غیره به صفحات ۱۹۴ تا ۱۶۷ کتاب «بازنگری دوره امپراتوری و توطئه های انگلیس» مراجعه نموده معلومات لازم را بدست آورند.

به یک موضوع باید در آنجا حاضر بود. درست همانگونه که یک هیروی جدیدش عزیز هندی^۳، سردار عنایت الله خان را از غش کردن در دروازه ارگ و گریستن و بغل کردن دروازه ارگ تا رسیدن به میدان هوائی تعقیب و همراهی میکرد و میدید که چشمانش هنوز از اشک پر بود. او علاوه میکند که گویا سکرتر و ایجنت انگلیس ها با خانواده شاهی همدردی داشت، لذا چگونه میتوانست به اصطلاح نمک حرامی نموده و وجود اش اجازه نوشتن این همه تبلیغات فتنه انگیز علیه غازی امان الله خان را بد هد. به زعم کاکر، این باید حتمنا کار افغانی باشد که در تمام دوره زمامداری شاه بحیث منشی، میرزا و آمر دفتر او خدمت کرد، الى ختم پادشاهی با او باقی ماند، وقتی شاه مجبور به ترک وطن شد، به همکابی شاه از وطن نیز خارج شد. اما بمجردی که دانست تلاش های ولینعمتش برای بدست آوردن دوباره تاج و تخت به ناکامی مواجه شد، دست به دامن انگلیس ها انداخت، در قونسلگری شان باقیماند و «یادداشت های سری و سیاسی» اش را تحریر و تایپ نمود، و بالاخره این اثر تایپ شده به آرشیف لندن سپرده شد^۴. کاکر تعجبش را نیز علاوه میکند که چرا رابت سکات، صاحب منصب انگلیسی، شوخی و شیطنت نموده، در ترجمه اش نام این رساله را از «یادداشت های سری و سیاسی» به «سقوط امان الله» تغیر داده است^۵.

ازین جعلکاری بزرگ آقای کاکر، که یک اهانت بزرگ به منشی علی احمد خان نیز محسوب میشود، به دو شاهد آقای کاکر در مورد منشی علی احمد خان مومنبر میگردیم.

من در «مروری بر کتاب دوره امانی پوها ند کاکر» نوشه بودم که «برویت اسناد محظوظ آرشیف هند بریتانی از دوسيه Who is who؟ یا کی کیست؟» میرزا علی احمد خان پسر فقیر احمد خان باشندۀ غزنی در اوایل دولت امانی قراردادی شعبه گهرک بود. بعداً بحیث منشی شخصی حاکم غزنی ایفای وظیفه نموده، و بعد از آن مؤفق شد بحیث منشی نائب الحکومه های جلال آباد، مزار شریف و قندھار برای مدت نه (۹) سال کار کند. میرزا علی احمد خان در عهد امانی بعد از آنکه غازی امان الله خان از امور کار های قندھار وارسی نمود، مورد تقدیر اعلیحضرت قرار گرفته و مؤفق به دریافت نشان ستور شده و بحیث مامور سرحدات قندھار تعین شد. میرزا علی احمد خان تنها در دوران اغتشاش به اصطلاح سقوی، وقتی غازی امان الله شاه به قندھار رفت، بحیث سرمنشی شورا تعین و به وظیفه اش تا خروج اعلیحضرت امان الله شاه از افغانستان برای چند ماه محدودی ادامه داد»^۶.

بعد از آنکه غازی امان الله خان قندھار و افغانستان را ترک کرد، میرزا علی احمد خان نیز با فامیلش به کویته رفت. او در سال ۱۹۳۰ دوباره به کابل برگشت. تا سال ۱۹۳۵ بیدکار در غزنی بسر برد. در سالهای ۱۹۳۶-۱۹۳۷ به گهان همکاری با سلیمانخیل مخالف دولت، تحت مراقبت سپتember ۱۹۳۸ به کابل برگشت. بالاخره در سال ۱۹۳۹ در تلاش کار به کابل رفت و به کمک و سفارش یک شخص متصرف در شعبه فوائد عامه مقرر شد.

^۳. در باره عزیز هندی و یک دروغ شاخدار دیگر آقای کاکر بعداً صحبت خواهد شد.

^۴. صفحه ۷ قسمت اول نوشته اخیر کاکر

^۵. همانجا

^۶. صفحات ۱۳ - ۱۴.

چون میرزا علی احمد خان تذها برای چند روز محدود، قبیل از آنکه اعلیحضرت امان الله شاه کشور را ترک کند، یعنی وقتی در قندهار از استعفای برادرش سردار عنایت الله خان و رفتنش به پشاور آگاهی یافته و تصمیم گرفت دوباره بحیث پادشاه افغانستان شناخته شود، در تشكیلات جدید بحیث منشی شورا (نه دربار) تعین شد، که آنهم چند ماهی بیش دوام نکرد، جناب یوهاند صاحب کاکرنمیتواند ادعا کند که میرزا علی احمد خان، بحیث منشی شورا در رابطه با دوره امانی دارای معلومات مؤثق و کافی بوده باشد. تنها میتوان گفت که شیخ محبوب علی خان در قسمتی از رایورش که مربوط به اوایل سال ۱۹۲۹ و جریانات قندهار، غزنی و مقربی باشد، از معلومات میرزا علی احمد خان که شخصا در آن جریانات حضور داشت، استفاده نموده و معلوماتش در همان محدوده دقیق بوده باشد»⁷.

آقای کاکر در نوشته اخیرش کوشیده است با استفاده از اظهارات و روایات دو هموطن بسیار محترم و دانشمند این حقایق مستند تاریخی را رد و تحریف نماید:

روایت اول از آقای محترم داؤد ملکیار است. آقای کاکر مینویسد که «به روایت محترم داؤد ملکیار، وی [منشی علی احمد خان] در میان مردم خود یعنی مومند های قریه شالیز به نام "منشی صاحب" باد می شد و در کودکی او را دیده بود. در آنوقت وی از هردو چشم نا بینا بود. خانواده های ملکیار و منشی در غزنی شهرت فراوان دارند». از آقای کاکر باید پرسید که کجای این اظهارات محترم داؤد ملکیار نوشته این قلم را نفی میکند؟

روایت دوم آقای کاکر از آقای محترم ارکان حرب مهدی خان شالیزی، برادر زاده شادروان منشی علی احمد خان میباشد. آقای کاکر مینویسد که «اینکه شادروان علی احمد(شالیزی) در تمام دوره شاه امان الله منشی او بود، توسط محترم ارکان حرب مهدی شالیزی به شکل زیر تأیید می گردد. او که در افغانستان استاد حربی پوهنتون بود، برادر زاده منشی علی احمد بوده و فعلا مقیم سویس می باشد. آنها چند برادر بودند که یکی از آنها شادروان عبدالستار شالیزی، یکی از شخصیت های با تحصیلات عالی بود که در شاهی مشروطه وزیر داخله گردید... شاغلی شالیزی درین نوشته به صورت قطعی حکم نمی کند که نوشته ای به نام "سقوط امان الله" از اوست، اما واضح است که منشی علی احمد هم منشی شاه امان الله بود و هم نگارنده این نوشته».

اگر چه روایت محترم ارکان حرب مهدی خان شالیزی که کاکایش در تمام دوره شاه امان الله منشی، میرزا و آمر دفتر او بود، با اسناد و مدارک موجود مطابقت ندارد، و بدون ارائه سند در همچو مسئله مهم تاریخی مورد اعتبار بوده نمیتواند، به اعتراف کاکر او نیز به صورت قطعی حکم نمی کند که نوشته ای به نام "سقوط امان الله" از کاکایش است.

(ادامه دارد)